

بررسی ابعاد مشاغل مجرمانه از منظر جرم‌شناسی و آموزه‌های اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۲/۱۱

تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۵/۱۵

محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی*

چکیده

مشاغل مجرمانه به معنای فعالیت‌های مستمری که فرد در ازای آن دستمزد می‌گیرد و دارای مفاسد و پیامدهای زیانباری برای فرد و جامعه و از این رو قابل جرم‌انگاری و مجازات است از جمله مباحث مهمی است که در حوزه علوم جنایی جای واکاوی فراوان دارد؛ مقاله حاضر می‌کوشد این مهم را با روش توصیفی - تحلیلی و براساس منابع کتابخانه‌ای از منظر جرم‌شناسی و آموزه‌های اسلامی مورد بررسی قرار دهد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که هرچند جرم‌شناسان در تبیین چیستی مشاغل مجرمانه، اختلاف نظر دارند ولی ویژگی‌هایی همچون مجموعه منظم و مستمری از فعالیت‌ها، درآمدزا بودن، زیانبار بودن برای فرد و جامعه و دارا بودن پرستیژ را به‌عنوان اوصاف مشاغل مجرمانه بیان می‌کنند. در تبیین چرایی این مشاغل نیز نظریه‌هایی که بیشتر با رویکرد جامعه‌شناختی است ارائه کرده‌اند؛ اما همچنان جای نظریه‌پردازی در این خصوص وجود دارد؛ این مسئله، به‌خصوص زمانی که از منظر آموزه‌های اسلامی مورد مطالعه قرار دهیم اهمیت بیشتری می‌یابد زیرا آموزه‌های اسلامی رفتارهای انسان را نه از منظر صرف منافع یا مضرات مادی و دنیوی بلکه با نگاه جامع به امور مادی و معنوی و دنیوی و اخروی مورد توجه قرار می‌دهد؛ از این رو چیستی و چرایی مشاغل مجرمانه از منظر وسیع‌تری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی: مشاغل مجرمانه، حرفه جرم‌زا، حرفه مجرمانه، جرم‌شناسی، اسلام.

مقدمه

از جمله مباحث مهم در جرم‌شناسی مشاغل مجرمانه و نیز ارتباط شغل و جرم است؛ ارتباط شغل و جرم از منظرهای گوناگونی قابل بحث است؛ نخست، تأثیری است که مشاغل بر جرم دارند و دیگری تأثیر جرایم بر مشاغل است؛ حوزه نخست در بردارنده مسائل گوناگونی است که بر حسب ماهیت و مباحث جرم‌شناسی متفاوت است؛ افزون بر اینکه برخی مشاغل خود جرم به حساب می‌آیند؛ برخی مشاغل نیز هر چند فی نفسه جرم نیستند، می‌توانند زمینه‌ساز بروز جرایم باشند. واکاوی چگونگی تأثیرگذاری مشاغل بر رخداد جرم و تبیین‌هایی که می‌توان از نظریه‌های موجود جرم‌شناسی برای این تأثیرگذاری ارائه داد، از جمله مباحث مهم در حوزه جرم‌شناسی مشاغل است. سوی دیگر این ارتباط، همچنان‌که بیان شد، تأثیر جرایم بر «مشاغل» است؛ بررسی ابعاد، پیامدها و آثار جرایم بر فرد و جامعه، از جمله محورهای مهم جرم‌شناسی است و از جمله این پیامدها، پیامدهایی است که برخی جرایم همچون قاچاق - در گونه‌های مختلف آن - مانند قاچاق کالا قاچاق دارو... بر مشاغل اعم از مشاغل دولتی و غیردولتی می‌تواند داشته باشد.

واکاوی ادبیات موجود در جرم‌شناسی، این حقیقت را آشکار می‌سازد که حوزه‌های یادشده در مجموع از چندان پیشینه غنی‌ای برخوردار نیستند؛ در پیشینه فارسی جرم‌شناسی اساساً در این حوزه‌ها، مطلبی وجود ندارد و هر چند در حوزه قاچاق کالا، جرایم یقه سفیدی و... مطالب ارزشمندی به‌ویژه با رویکرد ملی دیده می‌شود اما کمتر از زاویه بحث حاضر مورد واکاوی قرار گرفته است؛ از منظر آموزه‌های اسلامی نیز اساساً این حوزه فاقد هرگونه پیشینه‌ای است. بدیهی است پرداختن به همه ابعاد اشاره شده، امری نیست که در گنجایش یک مقاله باشد؛ از این‌رو در مقاله حاضر، درآمدی بر ابعاد مشاغل مجرمانه از منظر یافته‌های جرم‌شناسی و آموزه‌های اسلامی است. نویسنده امیدوار است طرح این مباحث، بسترهای لازم را برای پژوهش‌های بیشتر در این حوزه، به‌ویژه از منظر دینی و ملی فراهم آورد.

باتوجه به اینکه جرم‌شناسی دانشی است که از ماهیت و چرایی پدیده‌های مجرمانه و چگونگی مواجهه موثر با آنها بحث می‌کند در ارتباط با مشاغل مجرمانه از منظر جرم‌شناسی نیز می‌توان از چیستی و چرایی پدیدایی و گسترش آنها در جامعه از یک‌سو و از سوی دیگر از روش‌های پیشگیری و مقابله با آنها از سوی دیگر سخن گفت که در مقاله حاضر تنها بعد نخست یعنی چیستی و چرایی آن بحث خواهد شد و مباحث راهکارهای پیشگیری و مقابله با این پدیده در مقاله‌ای دیگر مورد

بحث قرار خواهد گرفت. بررسی آموزه‌های اسلامی در این خصوص نیز بر اساس این مفروضه است که از منظر اسلام رفتارهای انسان و پدیده‌های اجتماعی در سعادت و شقاوت انسان موثرند و هرگونه حکم شرعی درباره رفتارهای فردی و اجتماعی انسان بر پایه این واقعیت مهم رقم می‌خورد که البته گاه در آموزه‌های دینی به آن اشاره یا تصریح شده و گاه به تفکر آدمی منوط شده و گاه نیز بر انسان پوشیده است. بخشی از تبیین‌های اسلامی در باب پاره‌ای حرف و مشاغل در حقیقت بازگویی پیامدهای سوئی آنها برای مخاطبان است روشن است که استخراج این آموزه‌ها و مقایسه و انضمام آنها به دیدگاه‌های جرم‌شناختی موجود می‌تواند دستمایه‌های خوبی برای فهم هرچه بیشتر و بهتر این پدیده به منظور چاره‌جویی برای پاسخ‌دهی‌های لازم به آن اعم از پاسخ‌های پیشگیرانه و کیفری فراهم آورد. به هر حال سؤالات محوری مقاله حاضر این است که ماهیت مشاغل مجرمانه چیست و چه ویژگی‌هایی دارند؟ جرم‌شناسان چه تبیین‌هایی از این مهم ارائه کرده‌اند؟ از آموزه‌های اسلامی چه مطالبی درباره مشاغل مجرمانه می‌توان استنباط کرد؟ برای پاسخ به این سؤالات مقاله در سه مبحث سامان یافته است؛ نخست تعریف، ماهیت و ویژگی‌های مشاغل مجرمانه مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ سپس به مهم‌ترین تبیین‌هایی که با استفاده از نظریه‌های جرم‌شناسی درباره علل و عوامل این مشاغل می‌توان ارائه کرد خواهیم پرداخت و سرانجام، نگاهی گذرا به آموزه‌های اسلامی درباره مشاغل مجرمانه خواهیم داشت.

۱. تعریف و ویژگی‌های مشاغل مجرمانه

پیش از هر بحث، یافتن تعریفی که بتواند ماهیت این پدیده را به خوبی آشکار نماید ضروری است. البته واکاوی ویژگی‌های مشاغل مجرمانه نیز می‌تواند در تبیین ماهیت این پدیده بیشتر مؤثر افتد.

۱-۱. تعریف مشاغل مجرمانه

مشاغل از ریشه شغل است و شغل در فرهنگ لغت فارسی به معنای کار و ضد فراغ و سرگرمی است؛ نیز به معنای آنچه مایه مشغولیت باشد، حرفه و پیشه نیز آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۹، ص ۱۴۳۳۶)، اما در اصطلاح تعاریف متفاوتی از شغل ارائه شده است. برخی جرم‌شناسان، شغل را مجموعه سازمان‌یافته‌ای از فعالیت‌ها می‌دانند که برای تأمین نیازهای اقتصادی و مالی انجام

می‌شود؛ منظور از سازمان یافته، فعالیت‌هایی است که در یک سطح فردی و به هم پیوسته مربوط می‌باشد (Matsueda & Gartmer, 1992, p.753) برخی دیگر، شغل را مجموعه‌ای از وظایف به هم مرتبط برای انجام رساندن یک هدف مشخص می‌دانند که در ازای آن به فرد وجهی یا چیزی پرداخت می‌شود. ماده ۷ قانون استخدام کشوری مصوب ۱۳۴۵/۳/۳۱ شغل را مجموع وظایف و مسئولیت‌های مرتبط و مستمر مشخصی می‌داند که از طرف سازمان امور اداری و استخدامی کشور به عنوان کار واحد شناخته شده است. روشن است که این تعریف از شغل، تعریف «شغل رسمی» است که با پست سازمانی گره می‌خورد؛ شغل با پست هر چند مرتبط است اما با آن یکی نیست. شغل مجموعه وظایف و فعالیت‌هایی است که انسان در یک سازمان دولتی، در مدت زمان مشخص انجام می‌دهد و پُست، جایگاه در نظر گرفته شده برای یک شغل است. البته مشاغل غیردولتی، همچنان که در ادامه خواهیم دید، الزاماً با پُست سازمانی همراه نیستند. به هر حال در تعریف شغل، باید ویژگی‌هایی همچون مستمر بودن، درآمدزایی و تأمین نیازهای مالی و اقتصادی، را مد نظر داشت.

شغل از زوایای گوناگون قابل طبقه‌بندی است که مشهورترین آن تقسیم شغل به شغل دولتی و شغل آزاد است؛ در شغل دولتی فرد به عنوان اجیر و کارمند دولت است و در راستا ایفای وظایفی برای دولت، در مجموعه پُست‌های تعریف شده از سوی دولت، انجام فعالیت و از این راه کسب درآمد می‌کند. به بیان دیگر رابطه استخدامی با دولت دارد، اما در شغل آزاد، چنین رابطه‌ای بین فرد و دولت وجود ندارد.

از سوی دیگر و برحسب مشروعیت داشتن کاری که فرد انجام می‌دهد، شغل یا قانونی – و از این رو مجاز – است و یا غیرقانونی و غیرمجاز؛ در قسم اخیر است که گاه عدم مشروعیت به سبب ماهیت و پیامدهای سوء و زیانبار کاری است که فرد انجام می‌دهد و از این رو چه بسا موجب جرم‌انگاری آن می‌شود؛ مثلاً فرد به تن فروشی (روسی‌گری) می‌پردازد یا به خرید و فروش مواد مخدر اقدام می‌کند. در این صورت است که ما با عنوان «مشاغل مجرمانه» سروکار پیدا می‌کنیم، گاه نفس کار ماهیت سوئی ندارد ولی برای فرد به دلایلی تصدی آن جرم و تخلف محسوب می‌شود، مانند جرم بودن تصدی بیش از یک شغل دولتی که از جمله جرایم علیه دولت به حساب می‌آید (جعفری و عباسی مقرب، ۱۳۹۵، ص ۷۲)؛ گاه نیز نفس کار زیانبار و دارای مفسده نیست ولی آثار و پیامدهای آن باعث اختلال در زندگی اجتماعی می‌گردد. برای مثال «دست‌فروشی»: هر چند

در کشوری مانند فرانسه یک جرم است، ولی در کشور ما جرم نیست ولی یک تخلف محسوب می‌شود چراکه که موجب ایجاد اختلال در رفت‌وآمد شهروندان یا موجب عرضه کالاهای غیراستاندارد یا تقلبی یا موجب فرار مالیاتی می‌گردد.

باتوجه به آنچه گفته شد می‌توان تا حدی معنا و مفهوم مشاغل مجرمانه را دریافت. در جرم‌شناسی، شغل یا مشاغل مجرمانه دارای معادل‌هایی است از جمله «جرم حرفه‌ای» یا «جرم حرفه یا پیشه» و منظور از آن رفتارهای جنایی غیرخشنی است که به‌عنوان یک زمینه اشتغال جهت تحصیل درآمد و یا مهارت بسیار، با تمایل به افزایش فرصت‌های مالی و کاهش در مکان دستگیری، ارتکاب می‌یابد (غلامی، ۱۳۸۲، ص ۱۸۰).

در بیان دیگر، شغل مجرمانه، ناظر به فعالیت‌های مجرمانه دسته‌ای از بزهکاران است که به‌عنوان «: بزهکاران مکرر» شناخته می‌شوند؛ این دسته از مجرمان، به‌صورت مکرر و مستمر مرتکب جرایم می‌شوند، آنان پس از دستگیری، محاکمه و محکومیت و تحمل حکم، بار دیگر مرتکب جرم شده و اغلب بخش بزرگی از مشتریان دستگاه عدالت کیفری هستند؛ در میان این گروه، آن دسته که دارای مشی مجرمانه بوده و از طریق ارتکاب جرم، ارتزاق و زندگی می‌کنند به‌عنوان «بزهکار حرفه‌ای» شناخته می‌شوند (همان، ص ۲۸۷).

«جرم حرفه‌ای» اصولاً به رفتار مجرمانه‌ای اطلاق می‌شود که به‌عنوان یک زمینه اشتغال جهت تحصیل درآمد مورد ارتکاب قرار می‌گیرد و توسعه‌ی این «حرفه» با ورود و اجتماعی شدن بزهکار در دنیای جرم که همراه با تکمیل مراحل متعدد از جمله فراگیری مهارت‌های لازم و آگاهی از فروش فراورده‌های این حرفه است، انجام می‌پذیرد (معاشرت ترحمی) جرم حرفه‌ای، همچنین در ماهیت خویش یک «فن» است؛ زیرا آنانی که بدان اشتغال دارند، بدین ترتیب در مورد آن می‌اندیشند» (همان).

البته واکاوی دقیق‌تر دو اصطلاح «حرفه مجرمانه» و «مجرمان حرفه‌ای» در عین اینکه می‌تواند در مصادیقی همپوشی داشته باشد، ما را به افتراق معنایی این دو اصطلاح می‌کشاند؛ مثلاً روسپی‌گری می‌تواند یک حرفه مجرمانه باشد اما چه‌بسا نتوان از روسپی به‌عنوان یک مجرم حرفه‌ای یاد کرد، به‌بیان‌دیگر وصف حرفه‌ای در مجرمان حرفه‌ای بیانگر آن نیست که فعالیت مجرمان حرفه‌ای لزوماً یک حرفه‌ی مجرمانه می‌باشد؛ در نقطه مقابل حرفه مجرمانه‌ای همچون تکدی‌گری الزاماً دلالت بر آن ندارد که متصدی آن لزوماً یک مجرم حرفه‌ای است؛ بنابراین هرچند

بهره جستن از توصیفاتی که برای مجرمان حرفه‌ای شده است در تبیین معنایی شغل و حرفه مجرمانه مفید است اما کامل نیست؛ تذکار این نکته نیز ضروری است که وصف حرفه‌ای در مجرمان حرفه‌ای همان‌طور که گفته شد بیشتر ناظر به فن و مهارت آنها در ارتکاب جرم است و نه الزاماً درآمدزایی آن.

در حال برخی تحقیقات جرم‌شناسی، نشانگر این است که پرستیژ مشاغل مجرمانه امری بی‌اهمیت نیست و مشاغل مجرمانه پرستیژ کمتری از مشاغل مرسوم ندارد به طوری که می‌توان مشاغل مجرمانه‌ای با جایگاه بالاتر، همچون: رئیس مافیاء، سارق حرفه‌ای و... را یافت (Matsueda & Gartmer, 1992, p.753).

واکاوای نقاط اشتراک و افتراق مشاغل رسمی (قانونی) و مشاغل مجرمانه (غیر قانونی) می‌تواند در فهم بیشتر و بهتر ماهیت و ویژگی‌های مشاغل مجرمانه مؤثر افتد.

۱-۲. ویژگی‌های مشاغل مجرمانه

از یک چشم‌انداز حرفه‌ای و شغلی، محققان، شباهت‌های بسیاری را بین مشاغل قانونی و مشاغل غیرقانونی یافته‌اند؛ برای مثال، دزدان گاوصندوق، سارقان بانک‌ها و دیگر سارقان عادی که معمولاً دارای مهارت‌های فنی و تخصصی از جمله مهارت‌های یدی، جسارت و گستاخی می‌باشند و با منافع مادی برانگیخته می‌شوند خود را تاجر می‌دانند و فعالیت مجرمانه خود را یک شغل و کار می‌پندارند، به کار خود افتخار می‌کنند و در پی یافتن جایگاهی از این طریق هستند (Ibid, pp.753-754). از دیگر مشترکات این دو می‌توان به پرستیژ و وجهه مشاغل مجرمانه اشاره کرد؛ یعنی همان‌گونه که یک شغل رسمی در سلسله مراتب شغلی، دارای وجهه و جایگاهی خاص است جرم و مجرم حرفه‌ای نیز دارای سلسله مراتب، پرستیژ و وجهه خاص خود می‌باشد (تقی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۴۶-۴۷).

برخی روسپی‌گری را به‌عنوان یک شغل مجرمانه می‌دانند که همانند دیگر حرف غیرقانونی، افراد شاغل در آن در سلسله مراتبی قرار می‌گیرند، به‌گونه‌ای که افراد طبقات بالاتر، امتیازات و حقوق بیشتری را نسبت به طبقات پایین‌تر دریافت می‌کنند، همچنین سطح درآمد، میزان استقلال، شرایط شغلی و پرستیژ و مقام افراد یا جایگاه آنها در این سلسله مراتب پیوند یافته است (McCandless, 2001, p.1236). البته لازم به ذکر است که برخی جرم‌شناسان آن را هم‌ردیف

جرایمی چون اعتیاد و ولگردی و از جمله جرایم رفتاری می‌دانند؛ زیرا معتقدند مرتکبان این جرایم به دنبال سود خاصی نیستند و ارتکاب این جرایم، جزء سلوک و منش آنها می‌باشد اما به نظر می‌رسد براساس بیشتر تعاریف ارائه شده از روسپی‌گری در لغت‌نامه‌های انگلیسی که آن را فعل مداخله در فعالیت جنسی به صورت یکسره و مداوم به‌ویژه برای کسب پول تعریف کرده‌اند و آن را به‌عنوان قدیمی‌ترین شغل و حرفه جهان شناخته‌اند (Webster, 1981)، نتوان دیدگاه یادشده را پذیرفت و دست‌کم اینکه باید قائل به تفکیک شد و مواردی را به‌عنوان شغل مجرمانه و مواردی را به‌عنوان سبک زندگی و منش مجرمانه و جرایم رفتاری دانست؛ به‌ویژه که برخی از جرم‌شناسان غربی درصدد قانونی‌ساختن این حرفه و جرم‌زدایی از آن هستند و روسپی‌گری را یک انتخاب می‌دانند و معتقدند باید برای کسانی که چنین انتخابی می‌کنند، حقوق شغلی مشابه صاحبان سایر مشاغل قائل شد. از منظر این گروه، دولت باید علاوه بر کنترل و قاعده‌مند کردن این شغل، بر شاغلان آن مالیات تحمیل کرد و استانداردهای شغلی ایشان را تنظیم کرد، افزون بر این، به این افراد و اماکن فعالیت آنها، گواهینامه‌های لازم اعطا کرد (McCandless, 2005, p.1325).

لازم به ذکر است که باوجود تمام این مباحث، میزان پرستیژ و جایگاه مشاغل قانونی و مجرمانه نزد مجرمان و منحرفان، چندان مورد آزمون و بررسی قرار نگرفته است و مطالعات در این حوزه اندک است.

در میان مشاغل مجرمانه، جرایم با پرستیژ بالا و ویژگی‌های مشترک بسیاری با مشاغل قانونی دارای پرستیژ دارند که از آن جمله می‌توان به مواردی چون دارابودن مهارت‌های اختصاصی، انجام (ارتکاب) طولانی مدت عملی، جاه‌طلبی و بلندپروازی، قابلیت اعتماد، منافع مالی بسیار و ارتباط با افراد قدرتمند اشاره کرد. پژوهشگران در این رابطه از شغل «روسپی‌گری» یاد می‌کنند که باوجود اینکه افراد بسیاری این شغل را از نظر اخلاقی تقبیح می‌کنند، اما گروهی از شاغلان این حرفه، به‌ویژه اسکورت‌ها، آشکارا اعلام می‌کنند که از شغل و درآمدشان لذت می‌برند و رضایت دارند؛ آنها اعتماد به نفس بالایی داشته و خود را کمتر از عموم افراد جامعه ریاکار می‌دانند (Ibid).

بیان این نکته ضروری است که ماهیت غیرقانونی مشاغل مجرمانه، نگرانی‌های شغلی

۱. اسکورت‌ها افرادی هستند که در بالاترین سلسله مراتب شغلی روسپی‌گری قرار دارند و بالاترین سطح درآمد را داشته و بر شرایط شغلی و مشتریان خود کنترل دارند؛ آنها کمتر در معرض دید عموم قرار دارند و مشتریان را خود انتخاب می‌کنند (McCandless, 2005, p.1234).

صاحبان این مشاغل را افزایش می‌دهد و باعث تغییر در فعالیت شغلی مجرمانه آنان می‌شود؛ از این رو، این مجرمان شغلی یا حرفه‌ای، ممکن است به‌عنوان «چند شغله» شناخته شوند (تقی زاده، ۱۳۹۱، ص ۵۷-۵۹). نکته مهم اینکه افراد دارای مشاغل مجرمانه در یافتن دیگر مشاغل نیز سراغ مشاغل مجرمانه می‌روند؛ مثلاً افراد درگیر در قاچاق دارو سراغ خرید و فروش مواد مخدر می‌روند چراکه از جمله علت‌های ورود آنها به مشاغل مجرمانه، اساساً نداشتن فرصت‌های شغلی مشروع است. واکاوی علل و عوامل مشاغل مجرمانه می‌تواند در این خصوص مؤثر باشد.

در هر حال می‌توان ویژگی‌های مشاغل مجرمانه را در اموری همچون غیرقانونی بودن فعالیت شخص و داشتن فعالیت مستمر و نیز برخورداری از تخصص و حرفه در انجام آن فعالیت - البته در غالب موارد و نه الزاماً همواره - و کسب درآمد از این طریق اشاره کرد البته ممکن است فرد از انجام فعالیت خود لذت هم ببرد یا اساساً از روی ناچاری و تنفر مرتکب چنین کارهایی بشود هرچند در دراز مدت ارتکاب این مشاغل به‌صورت بک عادت برای وی درآید و او را در ردیف مجرمان به عادت قرار دهد (تقی‌زاده، ۱۳۹۱، ص ۴۲-۴۴).

۲. تبیین‌های جرم‌شناختی ناظر به مشاغل مجرمانه

گرایش به مشاغل مجرمانه را از منظرهای مختلفی می‌توان مورد بررسی قرار داد؛ در جرم‌شناسی دو رویکرد فردی و اجتماعی در تبیین پدیده‌های مجرمانه وجود دارد؛ رویکرد فردی بر مشخصه‌ها و ویژگی‌های فردی، به‌عنوان عوامل جرم‌زا تمرکز می‌کند و در رویکرد اجتماعی، بر عوامل پیرامونی و محیطی تأکید می‌شود؛ در رویکرد اخیر، نیز گاه از رویکرد «اثباتی» پیروی می‌شود و گاه رویکرد انتقادی مبنا و ملاک قرار می‌گیرد؛ در هر حال امروزه در علت‌یابی جرایم با طیف گسترده‌ای از نظریه‌ها در علت‌یابی جرایم مواجه هستیم قطعاً بررسی همه موارد امکان‌پذیر نیست در اینجا به مهم‌ترین نظریه‌هایی که امروزه در تبیین جرم‌شناختی مشاغل مجرمانه می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و در نوشته‌های جرم‌شناسی مورد تمسک قرار گرفته است اشاره می‌شود.

۲-۱. تبیین‌های جامعه‌شناختی از مشاغل مجرمانه

از جمله نظریه‌هایی که در توجیه مشاغل مجرمانه مورد استفاده قرار گرفته است؛ نظریه‌های اقتصادی است نظریه‌های اقتصادی پیش‌بینی‌کننده یک رابطه علی و مؤثر بین بهبود اوضاع بازار

کار و نرخ‌های پایین‌تر (کمتر) جرم است؛ از این منظر عمده دلیل گرایش افراد به مشاغل مجرمانه، بیکاری و نیز دستمزدهای پایین و بسیار اندکی است که در مشاغل رسمی دریافت می‌کنند؛ بیکاری، که با گسترش فناوری و جایگزینی ماشین به جای انسان نرخ روبه رشدی یافته است و نیز دستمزدهای اندک بازار کار رسمی، به گونه‌ای که فرد را همواره زیر خط فقر قرار می‌دهد از جمله دلایل ورود به مشاغل مجرمانه به حساب می‌آید؛ در نقطه مقابل، هرگاه اقتصاد، قوی شده و روبه رونق گراییده است (مثلاً اقتصاد قوی اواخر دهه ۱۹۹۰م) بازار کار بهبود یافته است.

دسته‌ای دیگر از نظریه‌ها بر ماهیت غیرثابت و تزلزل‌پذیر مشاغل و نیز سختی و صعوبت کارهای رسمی، نیز مدت زمان طولانی و خسته‌کننده این نوع کارها و عدم تناسب درآمد با ماهیت این مشاغل قانونی به‌عنوان عواملی که افراد را به سمت مشاغل جرم‌زا می‌کشاند، تمرکز دارند؛ هرچند که عوامل یاد شده به‌گونه‌ای است که اگر فرد را به سمت مشاغل مجرمانه هم نکشاند، می‌تواند در بروز رفتارهای مجرمانه، به‌ویژه در محیط شغلی و به‌عنوان آثار و پیامدهای جرم‌زا این‌گونه مشاغل مورد بررسی قرار گیرد (Robert D, Crutchfield and Susan R. Pichford, 1997, pp.93-118).

بخش دیگری از نظریه‌هایی که در تحلیل جرم‌شناختی مشاغل مجرمانه مورد استفاده قرار گرفته است، نظریه‌های فرهنگی و خرده فرهنگی است؛ جرم‌شناسان مدت‌هاست که می‌پندارند در درون شهرها، مشاغل مجرمانه مانند رباخواری، قوادی و... پرستیژ و جایگاهی خاص یافته‌است و جایگزین‌های مطلوبی - در نظر عامه مردم - برای مشاغل قانونی سطح پایین به حساب می‌آیند. این موضوع، در کانون بسیاری از نظریه‌های خرده فرهنگی جرم جای دارند (L. Matsueda & Gartner, 1992, p.752).

پژوهشگران در این حوزه، استدلال می‌کنند که اگرچه متغیرهای زمینه‌ای معین و خاصی ممکن است افراد را در ارتکاب جرم مستعد کند (عوامل فردی) و آنها را به انتخاب یک جرم به‌عنوان شغل و حرفه ترغیب نماید، اما یک فرهنگ خیابانی می‌تواند تبدیل به محیطی مستعدکننده شود (Wermer, 2005, p.1438).

ارزش‌های پذیرفته شده در چنین خرده فرهنگ‌های مجرمانه‌ای که با ارزش‌های فرهنگ مرسوم متفاوت است برای مشاغل مجرمانه، جایگاه و پرستیژی همسنگ با مشاغل قانونی، البته با مزایایی بیشتر، قائل می‌شود که موجب جذب افراد به این مشاغل می‌شود (ibid).

براساس دیدگاه کوهن، خرده‌فرهنگ‌های منحرف یک مکانیزم جایگزین برای کسب موقعیت اجتماعی ارائه می‌کنند؛ کلونارد بر این عقیده است که با مسدود بودن مسیرهای مرسوم و قانونی در کسب موفقیت‌ها و موقعیت‌های اجتماعی، افراد طبقه پایین احتمالاً خرده‌فرهنگ‌های مجرمانه‌ای را ابداع می‌کنند یا به خرده‌فرهنگ‌هایی ملحق می‌شوند که یک فرصت قانونی مبتنی بر سرقت، خشونت یا مواد مخدر را فراهم می‌آورند (L. Matsuda & Gartner, 1992, p.754). در این راستا نظریه فشار رابرت مرتون که بر تاکید یک جامعه بر اهدافی خاص مانند ثروت در عین فراهم ساختن وسایل و ابزارهای لازم برای آحاد خود به‌عنوان منبع فشاری را که افراد را به سمت فرصت‌های نامشروع و اتخاذ روش‌های غیرقانونی می‌کشاند (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۵) نیز می‌توان تمسک جست. اما باید توجه داشت که مشاغل مجرمانه تنها توسط طبقات فرو دست ارتکاب نمی‌یابد بلکه افرادی از طبقات فرادست و مرفه جامعه مرتکب این جرایم می‌شوند و چه‌بسا امروزه برخی از این مشاغل که به‌صورت سازمان یافته ارتکاب می‌یابد فراوانی بیشتری نیز داشته باشد؛ از این‌رو نظریه‌های اجتماعی برای تبیین مشاغل مجرمانه کافی نیست و بایستی از نظریه‌های فردی نیز بهره جست.

۲-۲. تبیین‌های فردی از مشاغل مجرمانه

به موازات نظریه‌های اجتماعی، نظریه‌هایی نیز وجود دارد که بر علل و عوامل فردی به‌عنوان عوامل گرایش به مشاغل مجرمانه تأکید دارند؛ مثلاً در پاسخ به این سؤال که چرا جرایم مالی از جمله برگلری و رابری ممکن است به فعالیت‌های شغلی انتخابی فرد تبدیل شوند، ژاکوبی و رایت (۱۹۹۲م) معتقدند افرادی که بیشترین اشتغال به رابری را دارند، آمادگی اندکی برای استخدام مفید و مناسب دارند و فاقد مهارت‌های بازاری کافی می‌باشند؛ از این‌رو، مشاغل قانونی و مشروعی که ممکن است در دسترس آنان باشد، میزان پول نقد فوری مورد نیاز برای یک زندگی مناسب برای آنان را تأمین نمی‌کند؛ به همین دلیل سراغ مشاغل غیرقانونی می‌روند (Wemer, 2005, pp.1439-1440).

نکته حائز اهمیت اینکه بزه‌کارانی که سرسپردگی طولانی مدت به جرم به‌عنوان یک منبع امرار معاش داشته و ارتکاب جرم را حرفه دائمی خود قرار داده‌اند به زندگی اجتماعی سالم بازمی‌گردند؛ هرچند در این مسیر با مخاطرات فراوانی روبه‌رو باشند؛ آنها حتی تمایل به تشکیل

باندها و دسته‌ها و گروه‌های بزهکاری شغلی دارند (Hutchinson Wallace, 2005, p.123). ازسوی دیگر، به هر میزان مشاغل مجرمانه برای این‌گونه افراد درآمد بیشتری داشته باشد، تداوم و استمرار بیشتری در این‌گونه مشاغل دارند و اصلاح و تربیت آنان دشوارتر است؛ چراکه این مجرمان در پی کسب پول و منافع مساوی برای یک سبک زندگی خاص (زندگی مبتنی بر لذت مادی) هستند آن هم سبک زندگی‌ای که کمتر نیاز به کار مشروع و قانونی هرچند کم‌درآمد باشد؛ ازاین‌رو، درآمدزایی بالای مشاغل مجرمانه، مانعی بزرگ در راه بازگشت آنها به زندگی قانونمدار می‌باشد (کی‌نیا، ۱۳۶۹، ص ۵۵۵ / 371-373, Siegel, 2007). افزون بر فقدان مهارت و تنبلی‌ها یا کاستی‌های جسمی نمی‌توان آرز و طمع وافر افراد در روی آوردن به این مشاغل را نادیده گرفت.

۳. مشاغل مجرمانه از منظر آموزه‌های اسلامی

با دقت در منابع اسلامی، می‌توان دریافت که گزاره‌های بسیار زیادی در منابع اسلامی وجود دارد که دستمایه فقیهان در احکام فقهی و نیز مریبان مسلمان در تبیین اندیشه‌های معرفتی و تربیتی اسلام قرار گرفته است؛ تحلیل این گزاره‌ها می‌تواند ازسویی منطقه رفتاری ممنوعه اسلام در حوزه مشاغل را مشخص سازد و ازسوی دیگر تحلیلی بر علت‌های ممنوعیت برخی مشاغل فراهم آورد و راه را بر «جرم‌شناسی اسلامی مشاغل مجرمانه»، بگشاید.

۳-۱. مرزهای تجویزی و ممنوعه اسلام در حوزه مشاغل

پیش از ترسیم خطوط کلی اسلام در حوزه مشاغل، تبیین نگرش کلی اسلام به «شغل» و «حرفه» حائز اهمیت است؛ از منظر آموزه‌های اسلامی، شغل و کار، شخصیت انسان را رقم می‌زند و همه داشته‌های اکتسابی انسان مرهون عمل اوست؛ خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم: ۳۹): و برای انسان جز آنچه کوشیده است نیست. و در جای دیگر می‌فرماید: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» (مدثر: ۳۸): هرکس در گرو آنچه‌ای است که کسب کرده است. این گزاره‌ها هرچند تأثیر کلی «کسب» و «سعی» را که ناظر به همه رفتارهای آدمی است گزارش می‌کند ولی قطعاً ناظر به بخشی از رفتارهای انسان که از آن به شغل و حرفه تعبیر می‌شود نیز هست. گفتنی است در اندیشه اسلامی ارتکاب جرم و گناه یک کسب است که

فرد به منظور فایده‌ای مرتکب می‌شود. «بلی من کسب سیئه و احاطت به خطیئته» (بقره: ۸۱) ... و در مورد سرقت به صراحت مجازات قطع دست را پاداشی برای کسب او می‌داند «جزاء بما کسبنا نکالا من الله» (مائده: ۳۸). از سوی دیگر در روایات اسلامی گزاره‌های فراوانی در مورد ارزشمندی شغل حلال و مذمت بی‌کاری و نداشتن حرفه و شغل وارد شده است پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: عبادت هفتاد جزء است و برترین آن طلب حال است (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۷۸)؛ امام موسی بن جعفر ﷺ می‌فرماید: «مَنْ طَلَبَ هَذَا الرِّزْقَ مِنْ جِلَّةٍ لِيُؤَدَّ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ وَ عِيَالِهِ كَانَ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (همان، ص ۹۳): آن کس که در پی کسب روزی حلال برای تأمین معاش خود و خانواده‌اش برآید مانند مجاهد در راه خداست. امام صادق ﷺ می‌فرماید: «لَا خَيْرَ فِي مَنْ لَا يَحِبُّ جَمْعَ الْمَالِ مِنْ خَلَالِ يَكْفُ بِهِ وَجْهَهُ وَ يَقْضِي بِهِ دَيْنَهُ وَ يَصِلُ بِهِ رَحْمَهُ» (مجلسی دوم، ۱۴۰۴، ج ۱۹، ص ۱۴): آن که در امر تأمین معاش خود سستی کند، خیری برای او از دنیایش انتظار نیست. براین اساس آنچه از چنین فردی انتظار می‌رود نه رفتارهای مفید و خیرخواهانه بلکه رفتارهای زیانبار و چه بسا مجرمانه است. معاذبن کثیر از یاران امام صادق ﷺ بود که شغلش پارچه‌فروشی بود، به حضرت عرض کرد تصمیم دارم بازار را ترک کنم؛ زیرا به اندازه کافی مال دارم، امام فرمودند با این عمل بی‌اعتبار می‌شوی، آیا توان تجارت را از دست داده‌ای یا به آن بی‌رغبت شده‌ای؟ معاذ گفت منتظر برقراری دولت شما هستم و مال فراوانی دارم و بدهکار کسی نیستم، حضرت فرمودند: «لا ترکها فانَّ ترکها مذهبه للعقل، اسع علی عیالک وایاک ان یکون هم السعاء علیک» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۱۳ / مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۹، ص ۱۳۰): تجارت را رها نکن که زمینه نابودی خرد است؛ برای خانواده‌ات بکوش و آنان را بر خود با این عمل تحریک نکن؛ از این رو برخی از خشونت‌ها و جرایم خانوادگی ریشه در بیکاری دارد. در حالی که اشتغال مفید زمینه‌ها و بسترهای لازم را برای روابط اجتماعی مطلوب و سالم فراهم می‌کند. از سوی دیگر اهمیت حرفه و شغل در اسلام از آن روست که زمینه‌های لازم برای تکامل و تحول مطلوب انسان را فراهم می‌کند و موانع فراروی این مسیر را برمی‌دارد (باقری، ۱۳۷۷، ص ۴۳) افزون بر این، همچنان که گفته شد در تکوین هویت و عزت نفس او نقش مؤثر دارد (همان، ص ۴۴-۴۵). از همین رو در احوالات پیامبر اکرم ﷺ آمده است که هرگاه به کسی برخورد می‌کرد که ویژگی‌های برجسته و چشم‌گیری داشت می‌پرسید که آیا حرفه‌ای دارد و به کاری اشتغال می‌ورزد؟ و اگر پاسخ منفی بود، حضرت می‌فرمود که او از چشمم افتاد (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰۰، ص ۹)؛ گزاره‌ها در مورد اهمیت و آثار دنیوی و اخروی مشاغل و تحریص و ترغیب

به مشاغل مفید و سودمند آن قدر زیاد است که تحلیل آنها خود پژوهش مفصلی را می‌طلبد و متأسفانه در این زمینه فقر پژوهش در خور توجهی وجود دارد آنچه مورد تاکید پیشوایان دینی بوده است پرهیز از سستی و تنبلی (صدوق، ۱۴۱۳، ج ۳، ص ۱۶۹) است اما باید توجه داشت که پرهیز از تنبلی و بیکاری به معنای آن نیست که انسان مجاز باشد به هرکاری دست زند؛ زیرا برخی از مکاسب همچون گذشته انسان را پیشرفت و تکامل و تعالی باز می‌دارد و زمینه‌های انحطاط او و بلکه نسل او را فراهم می‌آورد. به بیان دیگر، شغل به طور کلی به عنوان رفتار یک فرد، تنها منحصر به مشاغل مفید و سودمند نمی‌شود و در جوامع گذشته و حال مشاغل گوناگونی وجود داشته و همین امر موجب شده است که شارع نیز به تعیین مرزهای آن پردازد؛ در یک نگاه کلی، مشاغل را می‌توان به دو دسته مشاغل حلال و مشاغل حرام تقسیم کرد و قسم اخیر، در مباحث فقهی با عنوان «مکاسب محرمة» مطرح شده است؛ با این وجود بمانند همه رفتارهای دیگر، مشاغل می‌تواند موضوع احکام خمس قرار گیرد و از این رو می‌توان از مشاغل حرام، مشاغل مکروه، مشاغل مباح، مشاغل مستحب و مشاغل واجب در اسلام سخن گفت؛ بدون شک بحث از سیاست جنایی اسلام در حوزه مشاغل، تنها شامل مشاغل حرام نمی‌شود، بلکه مشاغل مکروه را نیز در بر می‌گیرد؛ زیرا همان گونه که سیاست جنایی در نگرش غربی تنها جرایم قانونی را در بر نمی‌گیرد و شامل انحرافات در قلمرو مشاغل نیز می‌شود؛ در نگرش اسلامی نیز سیاست جنایی تنها بر محرمات متمرکز نیست بلکه مکروهات را هم شامل می‌شود (حسینی، ۱۳۸۱، ص ۹۳-۹۷)، خاصه که این مکروهات همچنان که خواهیم دید وجه کراهت آن، چه بسا به سبب زمینه‌سازی‌هایی است که برای رفتارهای ممنوعه و حرام فراهم می‌آورد.

۳-۲. مبانی جرم‌شناختی ممنوعیت مشاغل مجرمانه در اسلام

احکام و به ویژه احکام جزایی اسلام مبتنی بر مبانی ویژه‌ای است که در قالب مصالح و دفع مفسد بیان می‌شود؛ حکیم بودن شارع، اقتضا می‌کند که همه احکام و فرامین او نیز مبتنی بر حکمت باشد بخشی از این حکمت‌ها در قالب «علت» وضع حکم در شریعت و در لسان شارع بیان شده است و بخشی دیگر از آن یا بیان نشده و به اندیشه‌ورزی انسان‌ها پیرامون آن حکم و دریافت مصالح و مفسد زیربنایی آن حکم ترغیب شده و یا اگر بیان شده، تمام العلة نیست؛ اما در حال «عقلانیت» وجه ممیزه سیاست جنایی اسلام است؛ این عقلانیت، نه عقلانیت ابزاری

غربی، بلکه به معنای هدفمندی و مبتنی بر مصلحت و دفع مفسده و حکمت‌مندی سیاست‌ها، تدابیر و احکام جزایی شریعت است؛ «هنجارمندی مبنا و زمینه‌ای بسیار گسترده و عمیق دارد و نه فقط لازمه طبعی و تبعی خردورزی انسان با ضرورت حفظ و دوام حیات اجتماعی او بلکه بسی مهم‌تر عنصر اصلی مقوم انسانیت انسان و حفظ او از انحطاط و سقوط ماهوی شناخته می‌شود.» (همان، ص ۸۲-۸۳). در گفتار پیشین ملاحظه شد که مشاغل به لحاظ حکم شرعی در یکی از وجوه پنجگانه واجب، مستحب، مکروه، حرام قرار می‌گیرند و از این رو هریک از این احکام دارای مبنا و حکمت و علت ویژه‌ای است. احکام جزایی نیز دارای حکمت و علت خاصی است که بخشی از آن در قالب مبانی جرم‌شناختی احکام جزایی قابل تفسیر است؛ مقصود از مبانی جرم‌شناختی احکام جزایی آثار و پیامدهای سوئی است که جرایم بر فرد یا جامعه بر جای می‌گذارد و همین خاستگاه احکام شرعی شده است؛ قطعاً این آثار و پیامدها در چهارچوب مبانی معرفتی و هستی‌شناختی و ارزش‌شناختی اسلام قرار می‌گیرد و بدون تردید، از آنجاکه هدف اصلی از بعثت انبیا تعلیم و تربیت انسان‌ها در راستای تکامل و ایصال آنها به غایت خلقت انسان که همان قرب الهی است می‌باشد، طبیعتاً همه احکام اسلامی بایستی در این راستا تحلیل و تفسیر شود؛ مشاغل مجرمانه - اعم از مشاغل حرام و مکروه - وجه حرمت و کراهتشان از این منظر قابل تحلیل و تفسیر است؛ در نقطه مقابل مشاغلی که نسبت به آنها ترغیب صورت گرفته نیز از همین جهت باید تحلیل گردد. «جهت کلی این تنزیه‌ها و ترغیب‌ها شرعی نسبت به مشاغل و حرفه‌ها، این است که شارع نسبت به آثار تخریبی و یا سازندگی این حرفه‌های بر روی روح انسان‌ها نظر داشته است؛ لذا برخی از شغل‌ها را مورد تحسین قرار داده است چون برای انسان نقش سازندگی داشته است و برخی از حرفه‌ها را مذمت کرده است، چون نقش تخریبی داشته است» (تهرانی، خبرگزاری مهر، ۱۳۸۹/۱۲/۲۴) این نقش تخریبی به‌گونه‌ای است که نه تنها خود فرد را آماده ورود به ارتکاب جرایم و انحرافات دیگر می‌سازد بلکه حتی بر نسل او - به صورت تکوینی - اثر می‌گذارد؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کسب الحرام یبین فی الذریة» (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۱۲۴/ فیض کاشانی، ۱۴۰۶، ج ۱۷، ص ۶۱)؛ آثار پیشه حرام در نسل انسان آشکار می‌گردد. در واقع، چنین مشاغلی، فرصت‌های فردی جرم‌زا را به صورت تکوینی در نسل‌های بعدی انسان، فراهم می‌آورند؛ همچنان‌که استفاده از غذاهای مفید و سازنده می‌تواند تقویت‌کننده ژن‌های انسان باشد و فرزندان انسان را از سلامت جسمی و روحی برخوردار سازد. اسحاق بن عمار می‌گوید: بر امام صادق علیه السلام

وارد شدم و به ایشان خبر دادم که پسری برایم آمده است (خداوند پسری به من داده است) او را به چه کاری بگمارم؟ حضرت به او فرمود: «لَا تُسَلِّمُهُ صَيْرَفِيًّا. فَإِنَّ الصَّيْرَفِيَّ لَا يَسْلَمُ مِنَ الرِّبَا. وَلَا تُسَلِّمُهُ بِيَاغِ أَكْفَانٍ. فَإِنَّ صَاحِبَ الْأَكْفَانِ يَسْرِهُ الْوَبَاءُ إِذَا كَانَ. وَلَا تُسَلِّمُهُ بِيَاغِ طَعَامٍ. فَإِنَّهُ لَا يَسْلَمُ مِنَ الْإِخْتِكَارِ. وَلَا تُسَلِّمُهُ جَزَّارًا. فَإِنَّ الْجَزَّارَ تُسَلِّبُ مِنْهُ الرَّحْمَةَ. وَلَا تُسَلِّمُهُ نَحَّاسًا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ. شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاغَ النَّاسَ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، ص ۱۳۵-۱۳۶): او را از پنج کار دور نگه دار و بعد به هر کاری خواستی بگمار، او را به زرگری نفرست، چراکه اگر او را به زرگری بفرستی از رباخواری در امان نیست؛ او را به کفن‌فروشی نفرست، چون کفن‌فروش از سرایت وبا خوشحال می‌شود (چراکه دائماً در فکر مرگ مردم است)، نیز او را به کسی که فروشنده طعام است نده چراکه او از احتکار در امان نیست، او را به سلاخی (گوشت‌فروشی) نگمار، چراکه گوشت‌فروش رحمت و شفقت از دل او سلب می‌شود؛ او را به برده‌فروشی نگمار، چراکه بدترین مردم کسی است که انسان‌ها را مورد خرید و فروش قرار می‌دهد

همچنان‌که ملاحظه می‌شود، آنچه در این روایت در چرایی مکروه‌بودن برخی مشاغل آمده است، دقیقاً حیثیت جرم‌زایی این مشاغل و تأثیری است که این مشاغل بر تقویت استعدادها یا فرصت‌های مجرمانه‌ی فرد و جامعه دارد. در روایت دیگری سکونی، از امام صادق ع نقل می‌کند که: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنْ كَسْبِ الْأَمْوَاءِ. فَإِنَّهَا إِنْ لَمْ تَجِدْ زَنْتَ. إِلَّا أُمَّةً قَدْ عَرِفَتْ بِصَنْعَةِ يَدِهِ. وَ نَهَى عَنْ كَسْبِ الْغُلَامِ الصَّغِيرِ. الَّذِي لَا يَحْسِنُ صِنَاعَةً بِيَدِهِ فَإِنَّهُ إِنْ لَمْ يَجِدْ سَرَقًا» (همان، ص ۱۶۳) علت (یا حکمت) بازداشتن حضرت رسول ص از کار کنیزان، این است که آنها اگر کاری بلد نباشند و نتوانند کاسبی کنند، برای آن‌که به پولی برسند تن به زنا می‌دهند؛ همچنین کودکانی که حرفه‌ای بلد نیستند اگر به تحصیل درآمد اجبار شوند، در معرض سرقت کردن قرار می‌گیرند. روشن است که به مقتضای روایت «انا معاشر الانبياء امرنا ان نكلم الناس بقدر عقولهم»؛ پیشوایان دینی به مقتضای عقل و درک و فهم مخاطبان خویش سخن گفته‌اند امروزه که بشر با پیشرفت‌های علمی خویش و به‌ویژه در حوزه شناخت جرایم و آثار و پیامدهای آنها، نسبت به قبل از اداراک و فهم بسیار بیشتری برخوردار است، تحلیل جرم‌زایی برخی مشاغل در فهم وجه ممنوعیت آنها، هرچند در لسان روایات نیامده باشد، می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد چراکه مفاسد مترتب بر مشاغل مجرمانه دلیل ممنوعیت آنها است و پیشوایان دینی ما دقیقاً بر اساس این واقعیت‌ها حکم کرده‌اند چرا که بر سرنوشت انسان و جامعه انسانی اندیشناک بوده‌اند. این ترس در حوزه مشاغل به تصریح خود

ایشان شدیدتر از بسیاری حوزه‌های دیگر بوده است؛ امام صادق علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که: «إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي هَذِهِ الْمَكَايِبُ . الْحَرَامُ وَالشَّهْوَةُ الْخَفِيَّةُ وَالرِّبَا» (همان، ص ۸۱) همانا ترسناک‌ترین چیزی که بر امتم می‌ترسم این مشاغل حرام و شهوت‌گرایی و ربا است.

نتیجه و پیشنهاد

بحث از مشاغل مجرمانه از شاخه‌های بحث از ارتباط شغل و جرم است که با وجود اهمیت بسیار آن کمتر مورد واکاوی قرار گرفته است. اهمیت بحث از ارتباط شغل و جرم از آن روست که شغل شکل دهنده شخصیت و عامل هویت‌یابی انسان و وسیله‌ای برای تامین نیازهای حیاتی اوست که می‌تواند او را از رفتن به سوی فعالیت‌های نامشروع و غیرقانونی باز دارد و ابزارهای لازم را برای او در دست‌یابی به فلاح و رستگاری و کمال فراهم آورد. با این وجود به دلایل فردی و اجتماعی گاه افراد سراغ مشاغلی می‌روند که از آنها با عنوان مشاغل مجرمانه یاد می‌شود. هرچند در تعریف این مشاغل اتفاق نظری وجود ندارد اما می‌توان از ویژگی‌هایی همچون استمرار داشتن پرستیژداشتن درآمد قابل توجه و مفاسد فردی و اجتماعی فراوان در فهم ماهیت این مشاغل بهره برد. این مهم انگاه بهتر حاصل می‌آید که از منظر جرم‌شناسی درصدد کشف آثار و پیامدهای سوء فردی و اجتماعی اینگونه مشاغل باشیم خصوصاً مشاغلی که امروزه در قالب جرایم سازمان یافته و مافیایی ظهور یافته است نکته مهمی که بررسی این مساله را از منظر اسلامی با اهمیت می‌سازد فراوانی گزاره‌های موجود در منابع اسلامی از سویی و ابتدای احکام اسلامی بر جلب مصالح و دفع مفاسد فردی و اجتماعی است که در حوزه مشاغل مجرمانه این امر نمود بیشتری دارد. در این حوزه با وجود انبوه گزاره‌های فقهی و معرفتی که دست‌مایه مباحث گسترده فقهی مکاسب محرمه قرار گرفته است اما از تحلیل‌های جرم‌شناختی با نگرش اسلامی که می‌تواند مکمل دیدگاه‌های بشری باشد خبری نیست تحلیلهایی که امروزه می‌تواند در مباحث حقوقی و فقهی مبارزه با فساد اقتصادی و به ویژه پیشگیری از آن کارآمدی داشته باشد.

منابع

۱. اصفهانی (مجلسی دوم)، محمدباقر بن محمد تقی؛ مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول؛ ج ۱۹، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
۲. باقری، خسرو؛ «تربیت حرفه‌ای در بستر دیدگاه اسلام»، فصلنامه حوزه و دانشگاه؛ ش ۱۴ و ۱۵، بهار ۱۳۷۷، ص ۳۸-۵۲.
۳. تقی‌زاده، مریم؛ مجرمان حرفه‌ای و سیاست کیفری ایران در قبال آنها (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)؛ قم: دانشگاه قم، ۱۳۹۱.
۴. تهرانی، مجتبی؛ «تربیت در محیط شغلی؛ آشنایی با مشاغل مکروه و مخرب، سه بحث محوری پیرامون محیط شغلی»؛ خبرگزاری مهر؛ ۱۳۸۹/۱۲/۴.
۵. جعفری، فریدون و محسن عباسی مقرب؛ «مبانی فقهی حقوقی جرم‌انگاری تصدی بیش از یک شغل دولتی در حقوق ایران»، پژوهشنامه حقوق کیفری؛ بهار و تابستان ۱۳۹۵، ش ۱۳، بهار ۱۳۹۵، ص ۴۷-۷۲.
۶. حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی؛ جامعه‌شناسی جنایی؛ ج ۴، قم: انتشارات بین‌المللی المصطفی، ۱۳۹۴.
۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ تهران: مکتبه اسلامی، ۱۳۸۸.
۸. حسینی، سید محمد؛ سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران؛ تهران: سمت، ۱۳۸۱.
۹. دهخدا، علی‌اکبر؛ فرهنگ لغت؛ تهران: موسسه لغت نامه دهخدا، ج ۲، ۱۳۷۷.
۱۰. صدوق، محمد بن بابویه؛ علل الشرائع؛ ج ۱، نجف: انتشارات مکتبه حیدریه، ۱۳۸۵.
۱۱. صدوق، محمد بن بابویه؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۱۲. صدوق، محمد بن بابویه؛ من لایحضره الفقیه؛ ج ۴، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه، [بی‌تا].
۱۳. غلامی حسین؛ «تکرار جرم به‌عنوان حرفه مجرمانه»، مجله دانشکده حقوق و علوم

- سیاسی؛ ش ۶۲، تابستان ۱۳۸۲، ص ۲۸۵-۳۱۵.
۱۴. غلامی، حسین؛ تکرار جرم؛ بررسی متوفی - جرم‌شناختی؛ تهران: میزان، ۱۳۸۲.
۱۵. فیض کاشانی، محمد محسن؛ الوافی؛ ج ۱۷، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین □، ۱۴۰۶ق.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب؛ الکافی؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۷.
۱۷. کی‌نیا، مهدی؛ مبانی جرم‌شناسی؛ ج ۱، چ ۲، تهران: انتشارات دانشگاه تهران: ۱۳۶۹.
۱۸. مجلسی، محمد باقر؛ بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار □؛ ج ۱۰۰، بیروت: مؤسسة الطبع والنشر، ۱۴۱۰ق.
۱۹. ولد، جرج، توماس برنارد و جفری اسنیپس؛ جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جرم‌شناسی)؛ ترجمه علی شجاعی؛ تهران: سمت، ۱۳۸۰.
20. Hutchinson Wallace, Lisa; 'Burglary as an occupation', in: **Encyclopedia of criminology**; Richard A. wright & j. Mitchell Miller (eds), London: Newyork, Vol 1, 2005.
21. Siegel, Larry J.; **Criminology**; NewYork: Cengage Learning, International Student dedition, 2007.
22. Matsueda, Ros L., Rosemary Gartner, Irving Pihavin & Michael Polakwski; 'The Prestige of criminal and conventional occaptoin: A subc - ultural Model of criminal Aetivity', **American sociological Review** 57(6); 1992.
23. Mccandless, N. Jane; 'Prostitution as an Occupation', in: J. Mitchell. Miller & Richard A. Wrght (eds), **Encyclopedia of criminology**; Vol 3, 2005.
24. Werner, J, Eiristadter; 'Robbery as occupation', in: J. Michell, Miller & Wright, Richrd (eds), **Encyclopekial of criminology**; Vol 3, 2005.
25. Crutchfield, Robert D. & Phchferd, Susan R.; 'Work and Crime:

the Effects of Labor Stratification', **Social Forces** 76(1); 1997.

26. Houston, Ellen and Bernstein, Jared; **Crime and Work, What We Can Learn from the Low-wage Labor Market**, Economic Policy Pub., 2000.
27. Philip Babcock Gove , G. & C. Merriam Company, Merriam-Webster, Inc (eds); **Webster's Third New International Dictionary of the English Language, Unabridged**; Merriam-Webster Pub., 1981.